

تحلیل گفتمان سیاست‌گذاری دولت در حوزه خانواده و مقایسه آن با واقعیت جامعه

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۳/۳۱

تاریخ تأیید: ۱۴۰۲/۱۱/۱۰

محسن کرمانی

دکتری تخصصی و پژوهشگر مرکز پژوهش‌های مجلس، تهران، ایران (نویسنده مسئول)؛
m.kermani.n@gmail.com

صابر جعفری کافی‌آباد

دکتری تخصصی و استادیار دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران؛
saberjafari65@gmail.com

چکیده

توجه به بافت اجتماعی و خواست ذینفعان در فرایند سیاست‌گذاری یکی از مهم‌ترین شروط تحقق اهداف سیاست‌گذاران در جهت حفظ استحکام نهاد خانواده در برابر تغییرات اجتماعی است. بر همین اساس در مقاله حاضر تلاش گردید تا میزان انطباق سیاست‌های خانواده در محورهای مختلف با خواست و انتظارات خانواده ایرانی در این زمینه مطالعه و مورد بررسی قرار گیرد. روش پژوهش تحلیل گفتمان و مبتنی بر رویکرد دیرینه‌شناسانه میشل فوکو است. جامعه آماری پژوهش قانون تأمین زنان و کودکان بی‌سرپرست (مصوب، ۱۳۷۱)، قانون تسهیل ازدواج جوانان (مصوب، ۱۳۸۴)، قانون حمایت از خانواده (مصوب، ۱۳۹۱) و قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت (مصوب، ۱۴۰۰) است. برحسب احکام و گزاره‌های سیاستی استخراج‌شده از قوانین فوق‌الذکر، گفتمان سیاست‌گذاری دولت در حوزه خانواده ذیل عنوان «تقویت و تحکیم نهاد خانواده و کارکردهای اصلی آن بر پایه الگوی سنتی خانواده» تحلیل و صورت‌بندی می‌شود. همچنین، نتایج به‌دست‌آمده از مقایسه گفتمان سیاست‌گذاری دولت در

حوزه خانواده با واقعیت جامعه حاکی از آن است که سیاست‌های دولت در زمینه کاهش سن ازدواج و افزایش فرزندآوری تا حدود زیادی با خواست و انتظارات جامعه در این زمینه منطبق و هم‌سو است. ولی در حوزه‌های تحکیم خانواده و حمایت از الگوی سنتی تقسیم کار در خانواده جامعه مسیری متفاوت از خواست سیاست‌گذار دنبال می‌کند. از این رو، لازم است سیاست‌های خانواده در این حوزه متناسب با واقعیت‌های جامعه تعدیل و اصلاح شود.

واژگان کلیدی:

سیاست، خانواده، دولت، گفتمان

مقدمه و بیان مسئله

گرچه در جامعه امروزی، این فرد است که واحد سیاسی بنیادین را تشکیل می‌دهد؛ اما واحد بنیادین اجتماعی در طول تاریخ، همواره خانواده بوده است (گاردنر، ۱۳۸۶: ۲۱). در حقیقت، خانواده به‌رغم تفاوت‌های موجود در زمان و مکان فراگیرترین و پایدارترین نهاد اجتماعی است؛ زیرا بخش قابل توجهی از نیازهای جامعه توسط این نهاد با کم‌ترین هزینه و به مؤثرترین شکل ممکن پاسخ داده می‌شود. خانواده پذیرفته‌ترین قالب و قاعده برای تداوم نسل است. خانواده مؤثرترین عامل برای جامعه‌پذیری است. خانواده‌ها از نظر مالی و عاطفی اعضای خود را حمایت می‌کنند. خانواده از افرادی که نمی‌توانند از خود مراقبت کنند مانند افراد مسن، ضعیف، بیمار و ناتوان مراقبت می‌کند؛ و...؛ اما ثبات و پایداری خانواده هرگز به معنای عدم تغییر آن در طول زمان نیست. چراکه تمام گونه‌های خانواده در طول زمان تغییر و تحول می‌یابند (سگالن، ۱۳۸۸: ۳۷) و این تغییرات در عصر حاضر ابعاد و شدت بیشتری نیز به خود گرفته است. به‌عنوان نمونه، برخلاف گذشته مردان و زنان در سنین پایین ازدواج نمی‌کنند؛ نرخ باروری به شکل معناداری کاهش یافته و در برخی جوامع به پایین‌تر از نرخ جانشینی^۱ نیز رسیده است؛ افراد بیشتر در محیط‌های شهری زندگی می‌کنند؛ طول عمر و امید به زندگی^۲ افزایش یافته است؛ زنان بیشتری وارد نیروی کار می‌شوند؛ نسبت زنان سرپرست خانوار افزایش یافته است؛ شبکه‌های خویشاوندی محدود و گسسته شده‌اند (بروس و همکاران، ۱۹۹۵؛ کامرمن، ۲۰۱۰: ۴۳۱). در حقیقت، ساختار و کارکردهای نهاد خانواده متأثر از امواج مدرنیته در زمینه تقسیم کار صنعتی، شهرنشینی و جهانی شدن به شدت تغییر کرده و همین امر نگرانی‌هایی در رابطه با کارکردهای مهم نهاد خانواده همچون تنظیم روابط میان دو جنس، فرزندآوری، مراقبت از کودکان و سالمندان، حمایت از اعضاء و... برای دولت‌ها و خانواده‌ها ایجاد نموده است. نگرانی‌های ناشی از این تغییرات، سبب شد تا بسیاری از کشورهای دنیا، به‌ویژه از اواخر دهه ۱۹۸۰ م، بخش قابل توجهی از سیاست اجتماعی خود را به مسائل و مشکلات خانواده اختصاص دهند. در

۱. نرخ جانشینی جمعیت سطحی از میزان باروری کل (۲/۱) است که جمعیت به وسطه آن می‌تواند خود را جایگزین کند.

2. life expectancy

غالب موارد، غایت و هدف از سیاست‌گذاری خانواده در اکثر این کشورها حمایت، ارتقا و تقویت این نهاد بوده است (بوگنشایدنر، ۲۰۱۴). لکن، در پاره‌ای از موارد اجرای سیاست‌ها نه تنها استحکام و ارتقای نهاد خانواده را در پی نداشته؛ بلکه موجبات ضعف و زوال آن در طول زمان را نیز فراهم ساخته است. در این رابطه، یکی از مهم‌ترین نکاتی که اغلب توسط افراد صاحب‌نظر به سیاست‌گذاران در این حوزه گوشزد می‌شود ضرورت انطباق سیاست‌ها با واقعیت جامعه در حوزه خانواده است. به طوری که خانواده‌ها و سایر گروه‌های ذی‌نفع احساس کنند که سیاست‌ها ارزش‌ها و خواسته‌های مهم آن‌ها را انعکاس می‌دهند (قلی‌پور و غلامپور آهنگر، ۱۳۹۳: ۲۲). تطبیق نداشتن با مقتضیات زمان و موقعیت مکانی، یا به طور کلی زمینه اجتماعی، سیاست‌ها را عملاً غیر اثربخش می‌سازد (کارلسون و دیگران، ۲۰۱۷: ۴). برخلاف تصور بسیاری از مسئولان دولتی، امروز دیگر نمی‌توان خانواده را به عنوان مجموعه‌ای از نقش‌های پیش‌ساخته، بدیهی و مشخص تعریف و تفسیر کرد. آن‌ها به صورت روزانه مورد مذاکره قرار می‌گیرند و بر اساس تعاملات بین شرکا در سطح خرد ساخته می‌شوند و تحت تأثیر ساختارهای کلان در حوزه‌های سیاسی و اقتصادی جامعه قرار می‌گیرند. به نقل از زیمرمن^۱ (۱۹۹۲) «وضعیت خانواده دیگر بدیهی نیست». نهاد خانواده در تمام سطوح دائماً در حال بازتعریف خود است و این موضوع مهمی است که باید مورد توجه سیاست‌گذاران خانواده و دیگر فعالین این حوزه در کشور قرار گیرد. در این راستا و با توجه به جایگاه و اهمیت سیاست‌گذاری خانواده در نظام سیاست‌گذاری جمهوری اسلامی ایران، در مقاله حاضر تلاش گردیده تا نسبت گفتمان دولت و سیاست‌گذار با خواست جامعه در حوزه خانواده تحلیل و ارزیابی شود. فرض بر این است که سیاست‌های استحکام و مقاوم‌سازی خانواده در صورتی اثرگذاری مثبت دارند که متناسب با ملاحظات خانواده ایرانی طراحی و اجرا شوند یا به عبارتی صحیح‌تر خواست و انتظارات خانواده‌ها در طراحی سیاست‌ها مورد توجه قرار گیرد. بر این اساس پرسش اصلی پژوهش حاضر این است که گفتمان سیاست‌گذاری دولت در حوزه خانواده تا چه اندازه با شرایط واقعی خانواده در جامعه منطبق و هم‌سو می‌باشد؟

پیشینه پژوهش

خانواده به واسطه نقش و جایگاهش در جامعه و زندگی افراد همواره به عنوان یک موضوع جذاب پژوهشی در حوزه‌های مختلفی علوم اجتماعی از جمله حقوق، جامعه‌شناسی، تاریخ و ... مطرح بوده است؛ اما در حوزه سیاست‌گذاری اجتماعی سابقه چندانی ندارد و طرح آن به مثابه یک مسئله سیاست پژوهی متأثر از طرح آن به مثابه یک مسئله در فضای سیاست‌گذاری عمومی کشور بوده است. تا جایی که معدود مطالعات انجام شده در این زمینه را می‌توان در نقد یا واکنش به شیوه طرح و صورت‌بندی مسائل خانواده در حوزه سیاست‌گذاری رسمی ایران ارزیابی نمود. پژوهش حاضر نیز در این زمره قرار دارد با این تفاوت که تلاش شده سیاست‌های خانواده به شکل جامع‌تری مورد توجه قرار گرفته و برای سنجش کیفیت آن با واقعیت جامعه تطبیق داده شده است. با این حال، عمده پژوهش‌های انجام شده در این زمینه عبارت‌اند از:

محدثه معینی فر (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان الزامات سیاست خانواده جمهوری اسلامی ایران با مروری کوتاه بر سیاست خانواده در جهان به دنبال ترسیم بایدها و نبایدهای سیاست‌گذاری آتی جمهوری اسلامی ایران درباره کاهش میزان باروری است. در همین رابطه معتقد است که سیاست‌گذاری مناسب در گروه وجود بانک جامع اطلاعاتی، شناسایی و تعیین میزان اثرگذاری عوامل کاهش جمعیت است. همچنین توجه به شرایط اجتماعی، سیاسی و تاریخی هر کشور نیز امکان اجرای سیاست و پذیرش آن را از سوی آحاد جامعه فراهم می‌کند. بر این اساس، متناسب با شرایط اجتماعی و فرهنگی حاکم بر جامعه بسته‌های سیاستی باید بر افزایش میزان ازدواج، افزایش ثبات نکاحی، افزایش میزان اشتغال و ... تأکید داشته باشد.

شهلا باقری و همکاران (۱۳۹۹) به بررسی انتقادی سیاست خانواده در ایران و الزامات راهبردی سیاست‌گذاری خانواده محور پرداخته‌اند. به اعتقاد ایشان در بخشی از سیاست‌های خانواده در ایران، عمده توجه دولت به کنترل جمعیت و سیاست‌های مرتبط با وضعیت زنان و کودکان بی‌سرپرست معطوف بوده است و در بخشی دیگر، اصلاح قوانین خانواده جهت افزایش نقش اجتماعی زنان در دستور کار قرار گرفته است. در حوزه قانون‌گذاری نیز قوانینی همچون اصلاح قانون حضانت و نگهداری کودکان یا قانون تشکیل دادگاه

خانواده، قوانینی نیستند که بتوانند به ایفای نقش مؤثر جهت خانوادگی‌گرایی و خانواده‌محوری بیانجامند؛ بلکه قوانین به صورت یک‌جانبه به حمایت از یکی از اعضای خانواده مانند زوجه یا فرزندان پرداخته است و نگاه نظام‌وار و نهادی به کانون خانواده وجود ندارد. در عرصه سیاست‌گذاری خانواده، نوعی آشفتگی نهادی و سازمانی وجود داشته و دوگانه «نهاد خانواده» و «نهاد بازار»، مطرح است. سیاست‌ها و قوانین مرتبط با خانواده تاکنون نتوانسته به صورت نظام‌وار و با عنایت به اصل خانواده‌محوری تمام ساحت‌های موردنیاز را پوشش دهد؛ بلکه عمدتاً گفتمان توسعه و با رویکرد اقتصادمحور دیده شد و خانواده‌محوری موضوعیت نداشته است؛ اگر هم در جایی حمایت‌هایی وجود داشته، نه از نهاد خانواده بلکه حمایت از یکی از اعضای خانواده است.

فاطمه موسوی ویایه و همکاران (۱۳۹۹) باهدف آشکار ساختن مختصات سیاست خانواده در ایران، اسناد بالادستی را با رویکرد توصیفی-تحلیلی و روش تحلیل مضمون موردبررسی قرار داده‌اند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که مضامین اصلی سیاست خانواده در ایران عبارت‌اند از: تأکید بر ازدواج و لزوم تشکیل خانواده، نابرابری نقش‌های جنسیتی و تقسیم کار جنسی در خانواده، تأکید بر کارکرد فرزندآوری و تربیت فرزندان به‌عنوان مهم‌ترین کارکرد خانواده و بازتولید شبکه خویشاوندی و حفظ پایداری خانواده با تأکید بر جنسیت‌زدایی از فضای عمومی و رعایت حجاب و عفاف زنان. سیاست خانواده در ایران علیرغم توجه به اشتغال زنان، الگوی سنتی مرد نان‌آور/زن مراقب را بازتولید و تثبیت می‌کند. رویکرد سیاست اجتماعی در ایران خانوادگی‌گراست اما این سیاست اجتماعی یکدست نیست و مواردی از تناقض و آشفتگی پارادایمی دیده می‌شود.

زارع و همکارانش (۱۴۰۱) در پژوهش خود با عنوان تحلیل سیاست خانواده در ایران با ملاحظه نقش‌های جنسیتی باهدف بررسی تغییر خانواده و نقش‌های جنسیتی زنان و مردان به تحلیل سیاست‌های مرتبط با خانواده پرداخته و برای رسیدن به نتایجی روشن از روش کیفی و تکنیک تحلیل مضمون استفاده شده است. در این پژوهش هفت مضمون پایه، سه مضمون سازمان‌دهنده و همچنین مضمون فراگیر «عدم نگاه مسئله‌محور در سیاست‌های خانواده» به دست آمد. این مضامین نشان‌دهنده تأکید سیاست‌ها بر نقش‌های مادری و همسری زنان و محدود کردن تعریف خانواده به نقش‌های زنان می‌باشد چراکه

در قوانین و سیاست‌ها بر وظایف پدری تأکید زیادی نشده و تنها وظیفه مردان در خانواده، ریاست و تأمین معاش است.

چارچوب مفهومی

سیاست خانواده^۱ نوعی سیاست اجتماعی است که باهدف ارتقا، حمایت و تقویت خانواده‌ها طراحی و اجرا می‌شود. کامرمن و کان^۲ (۱۹۷۸: ۳) معتقدند سیاست خانواده شامل «هر کاری می‌شود که دولت برای خانواده‌ها انجام می‌دهد». نمونه‌هایی از سیاست‌ها شامل خدمات و حمایت‌های مالی برای مراقبت از کودکان، مرخصی والدین و خانواده، کمک‌هزینه‌ها و کمک‌هزینه‌های فرزند و مقررات مربوط به ازدواج، زندگی مشترک و خشونت خانگی است. اگرچه طیف وسیعی از سیاست‌های اجتماعی و اقتصادی بر خانواده‌ها تأثیر می‌گذارند، اما این تعریف از سیاست خانواده، سیاست‌های دارای اثرات غیرمستقیم مانند سیاست‌های مراقبت‌های بهداشتی، مسکن، آموزش، اشتغال و ... را شامل نمی‌شود (بوگنشاید، ۲۰۱۴). در این رابطه، کامرمن (۲۰۱۰: ۴۳۰) پیشنهاد می‌کند میان سیاست‌های صریح و ضمنی خانواده تفکیک و تمایز قائل شویم. با این توضیح که سیاست‌های صریح خانواده معمولاً برای دستیابی به اهدافی خاص در رابطه با اعضای خانواده (مادر، کودکان، سالمندان، معلولان و ...) یا کل خانواده طراحی شده‌اند. درحالی‌که سیاست‌های ضمنی خانواده شامل اقداماتی است که در حوزه‌های دیگر و برای اهدافی غیر مرتبط با نهاد خانواده انجام می‌شود، اما باین‌وجود آثار و پیامدهای مهمی برای خانواده و اعضای آن به دنبال دارد؛ بنابراین، سیاست‌های صریح شامل آن دسته از سیاست‌هایی می‌شود که خانواده را به شکل مستقیم هدف قرار داده‌اند؛ اما سیاست‌های ضمنی اهداف غیرخانوادگی دارند؛ باین‌حال خانواده‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهند. سیاست‌های صریح خانواده اغلب منسجم و به‌سادگی قابل تشخیص و شناسایی هستند؛ درحالی‌که سیاست‌های ضمنی پراکنده، پنهان و شناخت آن‌ها نیازمند تفکر و تأمل است (کامرمن و کان، ۱۹۷۸: ۴؛ چستر، ۱۹۹۴: ۲۷۲). گاهی اوقات دسته سوم نیز برای تطبیق با رویکرد خنثی‌تر یا حتی منفی‌تر به مداخله دولت در حوزه خانواده به دسته‌بندی سیاست

1. family policy
2. Kamerman and Kahn

خانواده اضافه می‌شود که در آن مداخله دولت به این دلیل که زندگی خانوادگی یک موضوع کاملاً شخصی و خصوصی است نفی و انکار می‌شود. باین حال، منظور از سیاست خانواده در این مقاله سیاست‌های صریح خانواده است یا مواردی که خانواده موضوع یا کانون اصلی یک سیاست باشد. در همین رابطه، اومز^۱ (۱۹۹۰) معتقد است سیاست‌های صریح خانواده چهار کارکرد اصلی خانواده‌ها را در بر می‌گیرد: الف. ایجاد خانواده (ازدواج، طلاق، به دنیا آوردن فرزند، فرزندخواندگی و...); ب. حمایت اقتصادی (تأمین مالی و فراهم ساختن نیازهای اساسی اعضا); ج. فرزندپروری (تربیت فرزندان، اجتماعی کردن نسل بعدی و...); و د. مراقبت از افراد ضعیف و ناتوان (کودکان، معلولان، بیماران و سالمندان). با اضافه نمودن سیاست‌های معطوف به تحکیم بنیاد خانواده، محورهای سیاست‌گذاری در حوزه خانواده را می‌توان در پنج محور زیر صورت‌بندی و تحلیل کرد:

- ترکیب خانواده: ازدواج، طلاق، فرزندآوری، فرزندخواندگی، سرپرستی
- حمایت اقتصادی: توانایی خانواده‌ها برای تأمین نیازهای اولیه افراد تحت تکفل (غذا، سرپناه، بهداشت و پوشاک)
- رشد و پرورش کودکان: توانایی والدین برای پرورش، تربیت و آموزش کودکان
- مراقبت از اعضای خانواده: توانایی خانواده‌ها برای مراقبت از اعضا و بستگان بیمار، ضعیف یا دارای معلولیت
- تحکیم خانواده: توانایی خانواده‌ها برای تقویت و حفظ روابط متعهد و پایدار شریکی زندگی

ملاحظات روشی

این پژوهش یک مطالعه کیفی از جنس تحلیل گفتمان^۲ و مبتنی بر رویکرد دیرینه‌شناسانه^۳ میشل فوکو^۴ است. واژه گفتمان در زبان فارسی برابر نهاده واژه «دیسکورس»^۵ است؛ که البته هیچ‌گونه وفاق و اجماع روشنی در باب چیستی، نحوه عملکرد و تحلیل آن در میان

1. Ooms
2. discourse analysis
3. archaeology
4. Michel Foucault
5. discourse

اندیشمندان این حوزه وجود ندارد. با این حال، در یک تعریف به نسبت جامع می‌توان گفتمان را نظامی منسجم و الگو یافته از گزاره‌ها و نشانه‌ها دانست که اعمال، اندیشه و احساسات انسانی را در حوزه‌های مختلف حیات اجتماعی شکل، معنا و جهت می‌دهد (کرمانی، ۱۳۹۷: ۲۳). در همین چارچوب فوکو معتقد است هر جا که بین موضوعات، انواع گزاره‌ها، مفاهیم و گزینش‌های مضمونی بتوان نظمی، همبستگی‌هایی، «موقعیت‌هایی در فضای مشترک، اثر دوطرفه‌ای» و تغییر شکل‌های مرتبطی پیدا کرد، آنگاه الگوی منظم یا نظام پراکنده‌گی مشخصی پیداشده و یک شکل‌بندی گفتمانی شناسایی شده است (اسمارت، ۱۳۸۵: ۴۹). تحلیل دیرینه‌شناسانه به توصیف الگوهای متعارف درون یک گفتمان می‌پردازد و شیوه دگرذیسی گفتارها به گفتارهای دیگر و نحوه تمایز آن‌ها از یکدیگر را بررسی می‌کند. در واقع، این نوع تحلیل با رابطه میان گزاره‌های مختلف سروکار دارد و نشان می‌دهد که گزاره‌ها چگونه دسته‌بندی می‌شوند و هر گزاره تحت چه شرایطی می‌تواند پدید آید. این تحلیل از جنس تفسیر نیست؛ یعنی برای آنچه در گذشته رخ داده تبیینی ارائه نمی‌کند، بلکه تنها به توصیف آنچه رخ می‌دهد می‌پردازد و نشان می‌دهد که تحت چه شرایط گفتمانی‌ای آن واقعه می‌توانست رخ دهد (میلز، ۱۳۸۹: ۴۸).

مبانی رویکرد دیرینه‌شناسی فوکو را می‌توان از کتاب دیرینه‌شناسی دانش^۱ (۱۹۶۹) او استخراج نمود. فوکو در این کتاب در بررسی گفتمان به واحدهای تشکیل‌دهنده گفتمان اشاره می‌کند و موضوع اصلی تحلیل خود در بررسی گفتمان‌ها را «گزاره» یا «حکم»^۲ معرفی می‌کند. فوکو گزاره‌ها را اموری تماماً زبانی می‌داند که تأثیر آن‌ها از رهگذر عمل و کردارهایی که درون گفتمان روی می‌دهند اعمال می‌شوند و جان می‌گیرند. از این منظر زبان و عمل از هم قابل تفکیک نیستند. فوکو قصد دارد همین اثر یک گزاره به مثابه امری زبانی را در شکل‌گیری گفتمان و لذا تاریخ نشان دهد. البته برای وی اهمیتی ندارد که مؤلف این گزاره‌ها کیست، بلکه این گزاره‌ها را باید برحسب شرایطی که تحت آن شرایط این گزاره صدق یافته و یا حتی طرد می‌شود، تحلیل کرد (کلانتری، ۱۳۸۸: ۷۸)؛ اما پیش از تحلیل گفتمان سیاست‌گذاری دولت در حوزه خانواده نیازمند شناسایی گزاره‌های

1. The Archaeology of Knowledge
2. statement

سیاستی دولت در این زمینه هستیم. در این رابطه، کشورهایی که سابقه طولانی علاقه به امور خانواده به عنوان یک حوزه صریح سیاست خانواده دارند، اغلب مشارکت خود را به ساختارهای قانونی و نهادی ترجمه کرده‌اند. این بخش اولاً وضعیت سیاست خانواده در قوانین ملی و ثانیاً چارچوب‌های نهادی برای تدوین و ارائه سیاست خانواده را ارائه می‌دهد. ولی در این مطالعه جهت شناسایی گزاره‌های سیاستی مرتبط با نهاد خانواده صرفاً بر قوانین موضوعه تمرکز گردیده است. در واقع، جامعه آماری پژوهش جهت شناسایی و تحلیل گفتمان سیاست‌گذاری دولت قوانین تصویب‌شده در حوزه خانواده است. این قوانین عبارت‌اند از:

- قانون تأمین زنان و کودکان بی‌سرپرست (مصوب، ۱۳۷۱)
- قانون تسهیل ازدواج جوانان (مصوب، ۱۳۸۴)
- قانون حمایت از خانواده (مصوب، ۱۳۹۱)
- قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت (مصوب، ۱۴۰۰)

پس از شناسایی و صورت‌بندی گفتمان سیاست‌گذاری دولت در حوزه خانواده می‌بایست آن را با واقعیت جامعه در این زمینه تطبیق داد. در این رابطه نیز داده‌های آخرین پیمایش ملی انجام‌شده در حوزه خانواده مورد استناد قرار گرفته است. این پیمایش در سال ۱۳۹۸ و توسط جهاد دانشگاهی در سراسر کشور انجام شده است. داده‌های موردنیاز به فراخور تحلیل در بخش ارائه یافته‌های پژوهش توصیف و گزارش شده‌اند.

یافته‌های پژوهش

پاسخ‌گویی به پرسش و مسئله اصلی این پژوهش در گام نخست، نیازمند تحلیل و معرفی گفتمان سیاست‌گذاری دولت در حوزه خانواده است. بدین منظور، ابتدای امر مهم‌ترین قوانین معتبر و متأخر در رابطه با نهاد خانواده از دریچه چارچوب مفهومی اتخاذشده بازخوانی و کلیه احکام قانونی مرتبط استخراج، چینش و شمارش گردیده‌اند. در مرحله بعد و در پرتو یک فرایند تحلیلی گزاره‌های سیاستی حاکم بر قوانین حوزه خانواده استقراء و تدوین شده‌اند. در انتها نیز از طریق کنار هم قرار دادن گزاره‌های سیاستی موجود و برقراری ارتباط منطقی میان آن‌ها، احکام گفتمانی تعیین‌گر و انسجام بخش گزاره‌های فوق

شناسایی و معرفی شده است. جزئیات این فرایند در جدول زیر ارائه شده است.

جدول ۱. احکام و گزاره‌های سیاستی مرتبط با نهاد خانواده در قوانین موضوعه

حکم قانونی	تعداد احکام	گزاره سیاستی	حکم گفتمانی
خوابگاه‌های متأهلی؛ ودیعه مسکن برای دانشجویان متأهل؛ تشویق کارکنان ازدواج کرده؛ تسهیلات ازدواج؛ خدمت سربازان متأهل نزدیک محل سکونت، پرداخت مستمری بالاتر به سربازان متأهل؛ اولویت فرصت‌های شغلی برای متأهلین؛ افزایش حق عائله‌مندی، کمک‌هزینه زندگی، ایجاد صندوق اندوخته ازدواج جوانان؛ تأمین مسکن؛ کمک‌هزینه زندگی	۱۵	تشویق به ازدواج در سنین پایین‌تر	تقویت و تحکیم نهاد خانواده و کارکردهای اصلی آن بر پایه الگوی سنتی خانواده
ثبت رسمی ازدواج دائم یا طلاق	۲	حمایت از ازدواج رسمی و قانونی	
ترویج و فرهنگ‌سازی الگوی مطلوب ازدواج؛ ترویج ازدواج آسان و بهنگام، تعدد فرزندان، حمایت از نقش همسری و مادری، صیانت از تحکیم خانواده و تقییح تجرد زیستی و کم‌فرزندی ... توسط دستگاه‌های ذی‌ربط؛ همسرگزینی سنتی	۱۱	ترویج الگوی سنتی همسرگزینی و حمایت از نقش‌ها و کارکردهای خانواده	
تشکیل دادگاه خانواده؛ تأخیر در فرایند دادرسی؛ ایجاد مراکز مشاوره؛ ایجاد سازوکار داوری؛ آموزش و مشاوره قبل و بعد ازدواج؛ تعیین سقف برای مهریه	۱۳	تحکیم روابط بین زوجین و کاهش طلاق	
تأمین زمین و مسکن؛ پرداخت تسهیلات مسکن؛ پرداخت تسهیلات تولد فرزند؛ اعطای سهام بورس؛ تحویل خودرو ایرانی؛ افزایش یارانه؛ افزایش حق اولاد؛ و افزایش مدت‌زمان مرخصی زایمان، اعطای دورکاری به مادران باردار، کاهش سن بازنشستگی؛ معافیت‌های مالیاتی؛ جایزه ملی فرزندآوری؛ بیمه مادران مناطق روستایی و عشایری؛ تأمین فضای مناسب مادر و کودک در اماکن عمومی؛ صدور شناسه ویژه؛ مرخصی تحصیلی و میهمانی؛ اختصاص بودجه پژوهشی؛ حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان؛ درمان ناباروری؛ پوشش بیمه درمان؛ ارتقای کیفیت مراقبت‌های بارداری؛ اصلاح متون و بازآموزی کادر بهداشت و درمان؛ ممنوعیت توزیع رایگان اقلام پیشگیری از بارداری؛ ممنوعیت	۳۱	تشویق و حمایت از فرزندآوری (با تأکید بر سه فرزند و بیشتر)	
	۱۱	نفی سیاست تنظیم	

حکم قانونی	تعداد احکام	گزاره سیاستی	حکم گفتمانی
عقیم‌سازی؛ ممنوعیت سقط‌جنین		خانواده و کنترل جمعیت	
مراکز نگهداری کودکان بی سرپرست و خیابانی؛ پرداخت مستمری ماهانه؛ توانمندسازی؛	۴	مراقبت و حمایت از زنان و کودکان بی سرپرست	
سبد تغذیه، بسته بهداشتی	۲	حمایت از مادران باردار و دارای کودک زیر پنج سال نیازمند	
برخورداری زوجه دائم از حقوق وظیفه یا مستمری شوهر فوت نموده خود حتی پس از ازدواج مجدد	۲	حمایت از زنان پس از فوت همسر	

مطابق با احکام قانونی بررسی شده، دولت تنها ازدواج ثبت شده یا به تعبیری خانواده قانونی را به رسمیت شناخته و از آن حمایت می‌کند. بارزترین و مهم‌ترین سیاست دولت در حوزه ازدواج، تشویق و ترغیب جوانان به ازدواج در سنین پایین‌تر از طریق ارائه تسهیلات، امتیاز و خدمات مختلف در زمینه مسکن و اشتغال به زوجین جوان است. دولت طرفدار و ترویج‌کننده الگوی سنتی همسرگزینی با محوریت خانواده‌ها و به‌دوراز تکلف و تشریفات پرهزینه است. دولت همچنین قائل به تقسیم کار سنتی مبتنی بر نقش مادری و همسری در درون نهاد خانواده است. در حال حاضر، مهم‌ترین کارکرد مورد انتظار دولت از نهاد خانواده فرزندآوری در مقیاسی بالاتر از نرخ جانشینی است. سیاست‌گذاران و مقامات حاکم معتقدند آثار ناشی از اجرای «سیاست‌های تنظیم خانواده و کنترل جمعیت» در سه دهه گذشته کشور را در آستانه بحران جمعیتی قرار داده است. لذا، ضمن طرد و خطاخواندن سیاست فوق تلاش دارند از طریق افزایش حمایت از فرزندآوری، خانواده‌ها را به داشتن فرزند بیشتر تشویق و ترغیب نمایند. افزون بر این، بهترین محیط برای نگهداری و حمایت از کودکان و دیگر اعضای نیازمند به مراقبت، محیط درونی خانواده است. در این زمینه نیز خانواده‌های نیازمند کمک، مورد حمایت قرار می‌گیرند. جایگاه محوری نهاد خانواده در نظام اجتماعی ایدئال و مطلوب حاکمیت موجب گردیده تا بخش قابل توجهی

از سیاست‌های حوزه خانواده به موضوع تحکیم و ثبات این نهاد اختصاص یابد. بر این اساس، دولت تلاش دارد تا با استفاده از سازوکارهای مشاوره و میانجیگری اختلافات خانوادگی و به تبع آن واقعه طلاق را به حداقل ممکن کاهش دهد.

شکل ۱. گفتمان سیاست‌گذاری دولت در حوزه نهاد خانواده در ایران

حمایت از ازدواج رسمی و قانونی

ترویج الگوی سنتی همسرگزینی

تحکیم روابط بین زوجین و کاهش طلاق

ترتشیق به ازدواج در سنین پائین

تقویت و تحکیم نهاد خانواده و کارکردهای اصلی آن بر پایه

تشویق و حمایت از فرزندآوری بیشتر

حمایت از نقش‌ها و کارکردهای خانواده

نهی سیاست تنظیم خانواده و کنترل

مراقبت و حمایت از زنان و کودکان بی‌سرپرست

حمایت از مادران باردار و دارای کودک زیر پنج سال نیازمند

حمایت از زنان پس از فوت همسر

مرتب‌سازی گزاره‌های سیاستی موجود در رابطه با نهاد خانواده، دلالت بر وجود فضایی الگویافته و تبعیت از نظامی منطقی در این فضا دارد. به طوری که می‌توان تمامی گزاره‌ها را با شدت و ضعف ذیل یک حکم گفتمانی تحت عنوان «تقویت و تحکیم نهاد خانواده و کارکردهای اصلی آن بر پایه الگوی سنتی خانواده» تحلیل و صورت‌بندی کرد. محل استقرار و سطح برجستگی گزاره‌های سیاستی در فضای ترسیم‌شده از گفتمان سیاست‌گذاری خانواده برحسب احکام قانونی اختصاص یافته به هر گزاره تعیین شده است. در حال حاضر، مهم‌ترین و برجسته‌ترین گزاره سیاستی در گفتمان سیاست‌گذاری خانواده گزاره «تشویق و حمایت از فرزندآوری بیشتر» است. پس از این گزاره نیز «تشویق به ازدواج در سنین پایین‌تر» و «تحکیم روابط میان زوجین و کاهش طلاق» مهم‌ترین گزاره‌های سیاستی فعال و پویا در فضای این گفتمان هستند. سیاست‌های حمایت از نقش‌ها و کارکردهای درون خانواده نیز در جایگاه‌های بعدی قرار گرفته‌اند.

در ادامه، میزان انطباق و هم‌سویی گزاره‌های سیاست رسمی در حوزه خانواده با خواست خانواده‌ها و واقعیت‌های جامعه در این زمینه متناسب با محورهای سیاستی موجود تحلیل و ارزیابی شده است.

جدول ۲. توزیع پاسخ جامعه به پرسش‌های مرتبط با ازدواج و تشکیل خانواده

تحلیل نتایج	توزیع درصدی			گویه
	۳۰+	۲۶-۳۰	۲۱-۲۵	
برحسب توزیع پاسخ‌ها، اکثریت جامعه بهترین زمان مناسب برای ازدواج پسران را ۲۱ تا ۲۵ سالگی و بهترین زمان برای ازدواج دختران را ۱۶ تا ۲۰ سال می‌دانند.	۳۰+	۲۶-۳۰	۲۱-۲۵	مناسب‌ترین سن برای ازدواج پسر
	۲۶+	۲۵-۲۱	۲۰-۱۶	مناسب‌ترین سن برای ازدواج دختر
نزدیک به ۸۰ درصد از جامعه با ازدواج غیررسمی مخالف هستند.	موافقم	تا حدودی	مخالفم	زندگی دختر و پسر بدون ازدواج رسمی (قانونی) اشکال ندارد.
	۱۲/۱	۷/۵	۷۹/۹	
برحسب یافته‌های موجود در اکثر ازدواج‌ها فرد و خانواده در فرایند ازدواج دخیل بوده‌اند و نظر خانواده برای بیش از دو سوم جامعه در انتخاب همسر اهمیت تعیین‌کننده دارد.	هر دو	خانواده	خودم	در ازدواج شما تصمیم‌گیرنده اصلی چه کسی/کسانی بودند؟
	۴۲	۲۴/۵	۳۳/۵	
	-	ازدواج نکنند	ازدواج کنند	اهمیت نظر خانواده در موارد مخالفت با ازدواج با فرد موردعلاقه فرزند
	-	۷۷/۱	۲۲/۹	
برحسب یافته‌های پیمایش حاضر اکثریت جامعه ایران دلایل بالا رفتن سن ازدواج در میان جوانان را مواردی همچون نداشتن شغل مناسب، پایین بودن سطح درآمد، بالا بودن هزینه ازدواج، نداشتن مسکن مستقل، بالا بودن هزینه تهیه جهیزیه، بالا بودن میزان مهریه می‌دانند.	زیاد	متوسط	کم	دلیل بالا رفتن سن ازدواج: عدم برخورداری از شغل مناسب
	۹۰/۹	۶/۱	۳	
	زیاد	متوسط	کم	دلیل بالا رفتن سن ازدواج: عدم برخورداری از درآمد کافی
	۹۱/۷	۵/۹	۲/۴	
	زیاد	متوسط	کم	دلیل بالا رفتن سن ازدواج: بالا بودن هزینه ازدواج
	۸۲/۸	۱۲/۷	۴/۵	

گویه	توزیع درصدی			تحلیل نتایج
	کم	متوسط	زیاد	
دلیل بالا رفتن سن ازدواج: عدم برخورداری از مسکن مستقل	۵/۱	۱۳/۴	۸۱/۶	برای نزدیک به نیمی از پاسخگویان برگزاری مراسم ازدواج از اهمیت زیادی برخوردار است.
	کم	متوسط	زیاد	
دلیل بالا رفتن سن ازدواج: بالا بودن سطح توقعات جوانان	۶/۶	۱۳/۲	۸۰/۲	
	کم	متوسط	زیاد	
دلیل بالا رفتن سن ازدواج: هزینه‌های تهیه جهیزیه	۱۰	۱۸/۵	۷۱/۵	
	کم	متوسط	زیاد	
دلیل بالا رفتن سن ازدواج: بالا بودن مهریه	۱۵/۵	۱۸/۸	۶۵/۸	
	کم	متوسط	زیاد	
دلیل بالا رفتن سن ازدواج: ادامه تحصیل	۳۰/۱	۳۱	۳۸/۸	
	کم	متوسط	زیاد	
اهمیت برگزاری مراسم ازدواج	۱۷/۹	۳۱/۶	۴۴/۱	
	کم	متوسط	زیاد	

در حال حاضر رویکرد اصلی دولت در امر ازدواج معطوف به کاهش سن ازدواج و فراهم‌سازی بستر جهت ازدواج جوانان در سنین مناسب است. تقریباً اکثریت جامعه سن مناسب ازدواج برای پسران را بازه سنی ۲۱ تا ۲۵ سال و برای دختران ۱۶ تا ۲۰ سال می‌داند. با توجه به مشخصات جامعه هدف سیاست‌های کاهش سن ازدواج از جمله سربازان و دانشجویان به نظر دورنمای سنی مورد انتظار دولت نیز در همین محدوده قرار دارد. دولت تنها ازدواج قانونی را به رسمیت شناخته و از آن حمایت می‌کند. در این راستا، اکثریت جامعه نیز موافق ازدواج رسمی و مخالف با اشکال غیررسمی زندگی مشترک هستند. در نظرگاه جامعه مواردی همچون نداشتن شغل مناسب، پایین بودن سطح درآمد، بالا بودن هزینه ازدواج، نداشتن مسکن مستقل، بالا بودن هزینه‌های تهیه جهیزیه، بالا بودن سطح توقعات جوانان و مهریه بالا عمده‌ترین دلایل افزایش سن ازدواج قلمداد می‌شوند. این موارد تقریباً در سیاست‌های کاهش سن ازدواج نیز انعکاس یافته است به گونه‌ای که

می توان سیاست دولت را منطبق با خواست خانواده‌ها و واقعیت جامعه در این زمینه به شمار آورد. در ارتباط با الگوی همسرگزینی چنانچه محوریت خانواده‌ها را شاخص و معیاری برای الگوی سنتی همسرگزینی بدانیم؛ می توان ادعا نمود جامعه کمابیش از این الگو در فرایند همسرگزینی و تشریفات ازدواج پیروی می کند. لکن، داده‌های پیمایشی بیانگر این واقعیت است که کانون فرایند همسرگزینی در حال انتقال از خانواده به فرد است.

جدول ۲. توزیع پاسخ جامعه به پرسش‌های مرتبط با تحکیم خانواده و کاهش طلاق

تحلیل نتایج	توزیع درصدی			گویه
	بدتر شده	فرقی نکرده	بهبتر شده	
برحسب داده‌های موجود کیفیت روابط زوجین با یکدیگر و ارتباط با فرزندانشان در اکثر خانواده‌های ایرانی وضعیت مطلوب و روند رو به رشدی داشته و دارد. کمتر از ده درصد از خانواده‌ها در این زمینه ابراز نارضایتی نموده‌اند.	۵/۸	۳۴/۳	۶۰	رابطه شما با فرزندانتان در پنج سال گذشته چه تغییری کرده است؟
	۱۰/۱	۳۹/۴	۵۰/۶	رابطه شما با همسران در پنج سال گذشته چه تغییری کرده است؟
	۴/۵	۲۶/۲	۵۶/۸	رابطه شما با فرزندانتان در پنج سال آینده چه تغییری می کند؟
	۷/۵	۲۸/۷	۴۴/۸	رابطه شما با همسران در پنج سال آینده چه تغییری می کند؟
	اصلاً	کم	زیاد	شیوه حل اختلافات:
	۷۸/۳	۲۳/۴	۳/۴	مراجعه مشاوران
	اصلاً	کم	زیاد	شیوه حل اختلافات:
	۶۸/۳	۲۴/۷	۶/۹	مراجعه به ریش سفیدان
اصلاً	کم	زیاد	شیوه حل اختلافات:	
۵/۳	۲۰/۳	۷۴/۵	گفتگو تفاهم	

بدون تردید، یکی از پر تکرارترین کلیدواژگان در ادبیات سیاست گذاری خانواده در ایران عبارت «تحکیم خانواده» است. دلیل این امر نگرانی سیاست‌مداران و سیاست‌گذاران از تغییرات ساختار و کارکردهای نهاد خانواده متأثر از فرایندهای صنعتی شدن، شهرنشینی و

جهانی‌شدن در عصر جدید است. ایشان معتقدند نهاد خانواده متأثر از فرایندهای فوق در معرض تهدید و آسیب قرار گرفته است. از این رو، می‌بایست با اخذ سیاست‌های مناسب نسبت به تحکیم بنیاد خانواده اقدام نمود. این در شرایطی است که اکثر زوجین کیفیت روابط میان خود و فرزندان را در چشم‌انداز گذشته، حال و آینده نزدیک مطلوب و باثبات ارزیابی می‌کنند. در واقع، برخلاف تصور موجود خانواده با خطر تضعیف و تلاشی مواجه نمی‌باشد. علاوه بر این، ابزار انتخابی سیاست‌گذار جهت حل اختلافات خانوادگی ارائه خدمات مشاوره روانشناسی یا رجوع به نهاد میانجی‌گر است. این در حالی است که اکثر خانواده‌های ایرانی به‌جای دریافت خدمات مشاوره یا رجوع به ریش‌سفیدان فامیل ترجیح می‌دهند با گفتگو و دستیابی به تفاهم مشکلات و اختلافات میان خود را حل نمایند؛ بنابراین، به نظر می‌رسد در سیاست‌های معطوف به کاهش طلاق به‌جای ارجاع به منابع بیرون از خانواده بایستی روی ظرفیت‌های درون نهاد خانواده متمرکز گردید.

یکی دیگر از محورهای برجسته سیاست‌گذاری خانواده در ایران «تشویق و حمایت از فرزندآوری» است. در این ارتباط، مواضع جامعه نسبت به مقوله فرزندآوری در جدول زیر ارائه و تحلیل شده است.

جدول ۳. توزیع پاسخ جامعه به پرسش‌های مرتبط با فرزندآوری

گویه	توزیع درصدی			تحلیل نتایج
	بله	خیر	کافی است	
آیا تمایل دارید در آینده نزدیک صاحب فرزند شوید؟	۲۷/۳	۳۶/۷	۱۹/۱	از مجموع افرادی که امکان بچه‌دار شدن را دارند، تنها ۲۷ درصد تمایل به فرزندآوری در آینده نزدیک دارند. در واقع بخش قابل توجهی از جمعیتی که فرصت باروری دارند تمایلی به داشتن فرزند ندارند.
موانع بچه‌دار شدن: برای آینده فرزندانم نگرانم؟	مخالف ۲۲/۵	تا حدودی ۹/۴	موافق ۶۸/۱	برحسب داده‌های موجود مواردی چون نگرانی از آینده فرزندان، دشوار بودن تربیت فرزند، هزینه‌های مراقبت و نگهداری از فرزندان و نگرش منفی نسبت به فرزند زیاد مهم‌ترین موانع فرزندآوری در میان خانواده‌های ایرانی است. شرایط کاری زنان تأثیر چندانی بر گرایش به فرزندآوری ایشان ندارد.
موانع بچه‌دار شدن: سخت بودن تربیت فرزند	مخالف ۲۶/۷	تا حدودی ۱۱/۳	موافق ۶۲	
موانع بچه‌دار شدن: از پس هزینه‌های آن بر نمی‌آیم	مخالف ۳۴/۱	تا حدودی ۱۲/۸	موافق ۴۳/۱	
موانع بچه‌دار شدن: فرزند زیاد را مناسب نمی‌دانم	مخالف ۳۵	تا حدودی ۱۱/۸	موافق ۵۳/۲	

تحلیل نتایج	توزیع درصدی			گویه
	مخالف	تا حدودی	موافق	
	۵۷/۹	۱۰/۳	۳۱/۸	موانع بچه دار شدن: با شرایط کاری من سازگار نیست (زنان)
برحسب داده‌های موجود بیش از ۶۰ درصد پاسخگویان تمایل به داشتن سه فرزند و بیشتر از آن دارند.	۳/۴	دو	سه و بیشتر	تعداد فرزند دلخواه
	۳۵/۸	۶۰/۳		
برحسب داده‌های موجود بالغ بر ۶۰ درصد از زوجین از بارداری استفاده می‌کنند؟	۶۰/۷	خیر	-	آیا از روش‌های پیشگیری از بارداری استفاده می‌کنید؟
	۳۹/۳			
برحسب داده‌های حاضر بالغ بر ۲۱ درصد از زنان متأهل تجربه سقط جنین داشته‌اند.	۲۱/۶	خیر	-	به‌عنوان یک زوج تجربه سقط جنین داشته‌اید؟
	۷۸/۴			

روند کاهشی نرخ باروری و عبور آن از سطح جانشینی در نیمه دوم دهه ۱۳۹۰ خورشیدی (فتحی و دیگران، ۱۴۰۱)، با توجه به تبعات اقتصادی و اجتماعی کاهش جمعیت، سیاست تشویق و حمایت از فرزندآوری را در کانون سیاست‌گذاری خانواده قرار داده است. داده‌های پیمایشی مرتبط با این موضوع حاکی از آن است که تنها ۲۷ درصد از خانواده‌ها تمایل به فرزندآوری دارند و قریب به ۵۶ درصد از خانواده‌ها، علی‌رغم داشتن فرصت باروری، تمایلی به داشتن فرزند ندارند. این در حالی است که بیش از ۶۰ درصد خانواده‌ها تعداد فرزند دلخواه خود را سه فرزند و بیشتر از آن عنوان کرده‌اند. این داده‌ها حاکی از وجود فاصله و تفاوت میان قابلیت و انتظارات جامعه در عرصه فرزندآوری است. با این توضیح که اکثر خانواده‌ها در نظام ارزشی خود تعدد فرزندان را مطلوب ارزیابی می‌کنند؛ لکن، وجود پاره‌ای از عوامل موجب گردیده تا تمایل ایشان به فرزندآوری کاهش پیدا کند. از این رو، سیاست تشویق و حمایت از فرزندآوری را با توجه به خواست خانواده‌ها و نیاز جامعه، می‌توان مبتنی بر واقعیت تلقی و ارزیابی نمود. لکن، پرسش این هست که آیا این سیاست‌ها درست هدف‌گذاری شده و پاسخ‌گوی دغدغه خانواده‌ها در زمینه فرزندآوری است یا خیر؟ برحسب داده‌های موجود مواردی چون نگرانی از آینده فرزندان، دشوار بودن تربیت فرزند، هزینه‌های مراقبت و نگهداری از فرزندان و نگرش

منفی نسبت به فرزند زیاد مهم‌ترین موانع فرزندآوری در میان خانواده‌های ایرانی است. شرایط کاری زنان تأثیر چندانی بر گرایش به فرزندآوری ایشان ندارد. هرچند دغدغه‌های اقتصادی مرتبط با فرزندآوری به‌ویژه در قانون از خانواده و جوانی جمعیت تا حدودی پاسخ داده شده است؛ ولی کماکان نگرانی خانواده‌ها در امور تربیتی فرزندان و آینده ایشان پابرجاست. جدا از این، در شرایطی بخش قابل توجهی از احکام قانون اخیر به زنان شاغل اختصاص یافته که شرایط کاری زنان تأثیر چندانی بر گرایش به فرزندآوری ایشان ندارد. پیرامون جهت‌گیری دولت در زمینه شالوده‌شکنی و نفی سیاست تنظیم خانواده نیز بایستی عنوان کرد بالغ بر شصت درصد خانواده‌ها از شیوه‌های مختلف پیشگیری از بارداری استفاده می‌کنند.

دیگر گزاره مهم در گفتمان سیاست‌گذاری دولت حمایت از نقش‌های همسری و مادری است. این گزاره به‌منزله دنباله‌روی دولت از الگوی سنتی «زن خانه‌دار و مرد نان‌آور» در سیاست‌گذاری خانواده است. دیدگاه جامعه در این زمینه در جدول زیر ارائه شده است.

جدول ۴. توزیع پاسخ جامعه به پرسش‌های مرتبط با اشتغال زنان

تحلیل نتایج	توزیع درصدی		گویه	
	مخالف	موافق		
برحسب داده‌های موجود ۶۳ درصد از خانواده‌ها معتقدند زنان نیز مانند مردان باید در تأمین معاش خانواده سهیم باشند و تنها ۲/۵ درصد از پاسخگویان با کار زنان در بیرون از خانواده صریحاً مخالف هستند.	۳۶/۵	۶۳/۵	آیا زنان نیز باید مثل مردان در تأمین مخارج خانواده سهیم باشند؟	
	موافقم	بی‌نظر	مخالفم	تا چه اندازه با کار زنان در بیرون از خانه موافق یا مخالفید؟
	۴۵/۱	۲۹/۹	۲/۵	

برحسب داده‌های جدول بالا و نتایج سایر پیمایش‌های انجام‌شده در سال‌های پس از انقلاب اسلامی نگرش نسبت به اشتغال زنان به تدریج متحول شده است. در حال حاضر مجموع اعضای جامعه کمابیش با این گزاره که زنان حق فعالیت در خارج از خانه را دارند موافق‌تر شده‌اند. در پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های اجتماعی و فرهنگی شهروندان تهرانی، فقط ۱۷/۴ درصد پاسخگویان موافق این ایده‌اند که وظیفه زنان خانه‌داری است و نباید

بیرون کار کنند و ۵۹/۵ درصد نیز مخالف این ایده‌اند (گودرزی، ۱۳۹۰: ۵۰)؛ بنابراین، برخلاف جهت گیری دولت در زمینه ترویج الگوی تقسیم کار سنتی زنان و مردان در خانواده، بیانگر گرایش جامعه نسبت به حضور و نقش آفرینی زنان در فعالیت‌های اقتصادی بیرون از خانه است.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

توجه به بافت اجتماعی و خواست ذینفعان در فرایند سیاست‌گذاری یکی از مهم‌ترین شروط تحقق اهداف سیاست‌گذاران در جهت مقاوم‌سازی نهاد خانواده در برابر تغییرات اجتماعی است. به عبارتی، آرمان سیاست‌گذار در حوزه خانواده بایستی با واقعیت جامعه در این زمینه هم‌سو و منطبق باشد. به طوری که برخی از کارشناسان معتقدند شاید دلیل اثربخشی پایین سیاست‌های خانواده در جهت تحقق اهداف سیاست‌گذار در زمینه استحکام و مقاوم‌سازی نهاد خانواده عدم انطباق سیاست‌ها با خواست جامعه در این زمینه است. بر همین اساس در مقاله حاضر تلاش گردید تا میزان انطباق سیاست‌های صریح خانواده در محورهای مختلف با خواست و انتظارات خانواده در این زمینه مطالعه و مورد بررسی قرار گیرد. نتایج به دست آمده حاکی از آن است که سیاست‌های دولت در زمینه کاهش سن ازدواج و افزایش فرزندآوری تا حدود زیادی با خواست و انتظارات جامعه در این زمینه منطبق و هم‌سو است. در نظر جامعه‌موردی چون نداشتن شغل مناسب، پایین بودن سطح درآمد، بالا بودن هزینه ازدواج، نداشتن مسکن مستقل، بالا بودن هزینه‌های تهیه جهیزیه، بالا بودن سطح توقعات جوانان و ... به عنوان مهم‌ترین عوامل بالا رفتن سن ازدواج در جامعه عنوان شده‌اند. مواردی که در سیاست‌های کاهش سن ازدواج نیز انعکاس یافته‌اند. در حوزه فرزندآوری علی‌رغم خواست خانواده‌ها به داشتن فرزند بیشتر، لکن به دلیل وجود موانع و مشکلات اقتصادی، اجتماعی و نگرانی از آینده فرزندان تمایلی نسبت به فرزندآوری در خانواده‌ها وجود ندارد. برخی از این مشکلات در سیاست‌های حمایتی دولت مورد توجه قرار گرفته‌اند. در حوزه تحکیم خانواده، علی‌رغم وجود یک نگرانی عام و تعمیم‌یافته در ساحت‌های مختلف سیاست‌گذاری، خانواده‌ها کیفیت روابط میان اعضاء را در سطح مطلوبی ارزیابی می‌کنند. همچنین، خانواده‌ها در

موارد بروز اختلاف به‌جای ارجاع به نهادهای بیرون از خانواده ترجیح می‌دهند مسائل و مشکلات خود را در درون مرزهای نهاد خانواده مرتفع نمایند. در رابطه با الگوی تقسیم کار جنسیتی، علی‌رغم خواست دولت مبنی بر ترویج الگوی سنتی و حمایت از نقش‌های مادری و همسری زنان در محیط خانواده، جهت‌گیری جامعه به سمت اشتغال زنان در فضای بیرون از محیط خانواده است. این یافته با نتایج پژوهش زارع و همکاران (۱۴۰۱) در این زمینه هم‌راستا است. به اعتقاد آن‌ها این موضوع در کنار بی‌توجهی سیاست‌گذار به ارائه تعریفی آشکار و صریح از نقش‌های شوهری و پدری در خانواده، به‌غیر از نقش نان‌آوری و کار بیرون از خانه باعث شده است که بار مضاعفی از وظایف بر دوش زنان احساس شود و زنان را در دو مسیر متفاوت قرار دهد. زنان یا مجبور به تحمل این فشار مضاعف نقشی می‌شوند؛ فشاری که از مجموع دو هدف خواستنی یعنی میل به همسری و مادری از یک‌سو و میل به اشتغال، تحصیل و کنشگری اجتماعی از سوی دیگر می‌شود. این فشار مضاعف می‌تواند زمینه‌ساز کم‌کاری در هر دو حوزه کار بیرون خانه و کار درون خانه، افزایش اختلافات زناشویی، کاهش کیفیت زندگی و افزایش بیماری‌های جسمی و روحی در زنان گردد؛ بنابراین، بایستی نتیجه گرفت که سیاست‌های خانواده در حوزه ازدواج و فرزندآوری تا حدود قابل‌توجهی با خواست و واقعیت‌های جامعه هم‌راستا می‌باشند ولی در حوزه‌های تحکیم خانواده و حمایت از الگوی سنتی تقسیم کار جنسیتی، جامعه مسیری متفاوت از خواست سیاست‌گذار دنبال می‌کند. هرچند انقلاب اسلامی و گفتمان سیاستی برآمده از آن واکنشی به مدرنیته و متمایل به سنت بود. ولی تغییرات ساختاری به روال قبل در ایران بعد از انقلاب ادامه یافت و همین امر موجب شکاف گفتمان دولت و جامعه در موضوع خانواده در محورهای مزبور شده است. از این‌رو، لازم است سیاست‌های خانواده در این حوزه متناسب با واقعیت‌های جامعه تعدیل و اصلاح شود. نتیجه دیگر، هم‌سو نبودن سیاست‌های صریح و ضمنی حوزه خانواده با یکدیگر است که می‌توان آن را از ارجاع صریح سیاست‌های خانواده به موضوعات اشتغال، مسکن، آموزش، بهداشت و ... استنباط نمود. به عبارتی، انعکاس پرتکرار احکام مرتبط با رفاهیات و نیازهای اساسی خانواده ایرانی حاکی از آن است که سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی خواسته یا ناخواسته عملکرد نهاد خانواده را در ابعاد مختلف به شکل نامطلوبی تحت تأثیر قرار داده

است و نشانه‌های آن را می‌توان در بحران اشتغال با کیفیت یا مسکن مناسب و استطاعت‌پذیر مشاهده نمود؛ بنابراین، هم‌زمان با سیاست‌های صریح خانواده، لازم است سیاست‌های کلی و کلان‌روندها در سایر حوزه‌های تأثیرگذار نیز هم‌سو با مصالح نهاد خانواده بازبینی و مجدد تنظیم شوند.

منابع

۱. اسمارت، بری (۱۳۸۵)؛ میشل فوکو، ترجمه لیلا جوافشانی و حسن چاوشیان، تهران: نشر اختران.
۲. باقری، شهلا؛ مطهر نژاد، سیدمجید و سید محمدحسین سادات چاوشیان (۱۳۹۹)؛ بررسی انتقادی سیاست خانواده در ایران و الزامات راهبردی سیاست گذاری خانواده محوری، فصلنامه مطالعات فرهنگی اجتماعی حوزه، دوره ۴، شماره ۸، صفحات ۸۳-۱۰۸
۳. جهاد دانشگاهی (۱۳۸۴)؛ پیمایش ملی خانواده
۴. زارع، بیژن؛ صفری شالی، رضا؛ ایزدی، زینب و علیرضا کریمی (۱۴۰۱)؛ تحلیل سیاست خانواده در ایران با ملاحظه نقش‌های جنسیتی، فصلنامه سیاست گذاری عمومی، دوره ۸، شماره ۳، صفحات ۵۷-۶۸ <https://www.amar.org.ir/Portals/0.57-68/News/1401/fertility96-1400.pdf>
۵. فتحی، الهام؛ جاوید، نور محمد و مجتبی نصیری پور (۱۴۰۱)؛ روند باروری در ایران، از سال ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۰، مرکز آمار ایران،
۶. قلی پور، رحمت‌اله؛ غلام پور آهنگر، ابراهیم (۱۳۹۳)؛ فرایند سیاست گذاری عمومی در ایران، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
۷. عبدی، عباس (۱۳۹۳) مقدمه‌ای بر پژوهش در جامعه‌شناسی خانواده در ایران، تهران: نشر نی.
۸. کلانتری، عبدالحسین (۱۳۸۸)؛ تطور گفتمانی دفتر تحکیم وحدت، رساله دکتری جامعه‌شناسی سیاسی، دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده علوم اجتماعی.
۹. کرمانی، محسن (۱۳۹۷)؛ واکاوی تحول در گفتمان سیاسی امام خمینی (ره) و فرآیند چیرگی آن، رساله دکتری جامعه‌شناسی سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده علوم اجتماعی.
۱۰. گاردنر، ویلیام (۱۳۸۶)؛ جنگ علیه خانواده، ترجمه معصومه محمدی، تهران: دفتر مطالعات و تحقیقات زنان
۱۱. گودرزی، محسن (۱۳۹۰)؛ ارزش‌ها و نگرش‌های فرهنگی - اجتماعی شهروندان

- تهران، تهران: دفتر مطالعات فرهنگی - اجتماعی شهر تهران.
۱۲. معینی فر، محدثه (۱۳۹۸)؛ الزامات سیاست خانواده جمهوری اسلامی ایران با مروری کوتاه بر سیاست خانواده در جهان، *فصلنامه مطالعات اسلامی زنان و خانواده*، شماره ۱۱، صفحات ۱۱۷-۸۷.
۱۳. موسوی ویایه، فاطمه؛ سهرابزاده، مهران و محسن نیازی (۱۳۹۹)؛ بررسی مختصات سیاست خانواده در ایران بر اساس تحلیل مضمون اسناد بالادستی، *فصلنامه سیاست‌گذاری عمومی*، دوره ۶ شماره ۱، صفحات ۲۴۰-۲۲۱.
۱۴. میلز، سارا (۱۳۸۸)؛ *گفتمان*، ترجمه فتاح محمدی، زنجان: نشر هزاره سوم.
۱۵. وصالی، سعید؛ امیدی، رضا (۱۳۹۳)؛ *سیاست‌گذاری اجتماعی*، زمینه‌ها و رویکردها، *برنامه‌ریزی و بودجه*، سال ۱۹، شماره ۱، صفحات ۲۰۶-۱۷۹.
۱۶. سگالن، مارتین (۱۳۸۸)؛ *جامعه‌شناسی تاریخی خانواده*، ترجمه حمید الیاسی، تهران: نشر مرکز

17. Bogenschneider, K., Normandin, H., Onaga, E., Bowman, S., & MacDermid, S. M. (2010). *Generating evidence on disseminating evidence to policymakers*. In K. Bogenschneider & T. Corbett, Evidence-based policymaking: Insights from policy-minded researchers and research-minded policymakers. New York: Taylor and Francis.
18. Kamerman, Sh. (2010) *Child, family and the state: the relationship between family policy and social protection policy*, in: Kamerman, Sh., Sh. Phipps, and A. Ben-Arieh eds., *From Child Welfare to Child Well-Being*, New York: Springer: 429-437
19. Hengstebeck, N. D, Helms H. M, Crosby. D (2016). Family Policies, *The Wiley Blackwell Encyclopedia of Family Studies*, First Edition. Edited by Constance L. Shehan. © 2016 John Wiley & Sons, Inc. DOI: 10.1002/9781119085621.wbefs118
20. Carlson. L, Oláh. Sz. L, Hobson. B (2017). *Policy recommendations Changing families and sustainable societies: Policy contexts and diversity over the life course and across generations*, *FamiliesAndSocieties project consortium*, Publication is available at: www.familiesandsocieties.eu
21. Ooms, T. (1990). Families and government: Implementing a family perspective in public policy. *Social Thought*, 16(2), 61-78.
22. Titmuss, R.M. (1974) *Social policy: an introduction (edited by B. Abel-Smith and K. Titmuss)*, London: George Allen and Unwin.

23. Millar, J. (2003) 'Social policy and family policy', in P. Alcock, A. Erskine and M. May (eds) *The student's companion to social policy* (2nd edn), Oxford: Blackwell, pp 153-9.
24. Bruce, J., Lloyd, C. B., Leonard, A., Engle, P. L., and Duffy, N. (1995). *Families in focus: New perspectives on mothers, fathers, and children*. New York: The Population Council.
25. Zimmerman, S. L. (1992). *Family policies and family well-being: The role of political culture*. Newbury Park, Calif.: Sage.
26. Kamerman, S. B., and Kahn, A. J. (1978). *Families and the idea of family policy*. In *Family policy: Government and families in fourteen countries*, by S. B. Kamerman and A. J. Kahn. New York: Columbia University Press.
27. Tallman, I. (1979). Implementation of a national family policy: The role of the social scientist. *Journal of Marriage and the Family* 41, no. 3:469-72.